

شرح کتاب «روزنامه‌ی سفر میمنت اثر ایالات متفرقه‌ی امریغ» اثر احمد شاملو به بهانه سالروز تولد وی

## پادشاهان کاغذی

زهرا فرقانی

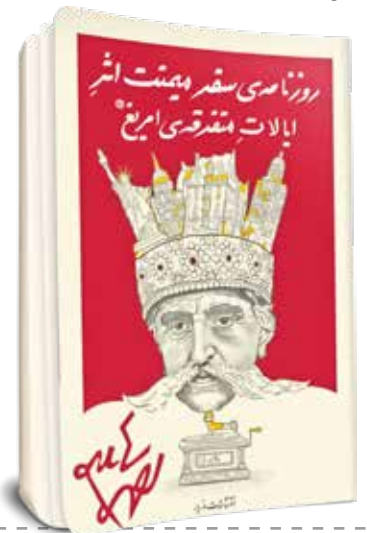
نویسنده و طنزپرداز



شاید کمتر کسی بداند که شاملو که بمداد تخلص می‌کرد و سپید می‌نوشت و به عاشقانه‌هایش برای آیدا و شازده کوچولوی عاشق پیشه‌اش که با ادراکی شرقی ترجمه‌اش کرده، معروف است، اهل سفرنامه نویسی تاریخی آن هم از سفری نارفته و نادیده و آن هم با زبان طنز باشد؛ سفری در معیت پادشاه.

دور نیست که دوران سلطه غمبار سفیهان بر این ملک و اوضاع اسفناک ملت بی‌پناه در آن عهد، قلم هر انسان شرافتمندی را به تپش در می‌آورد. و چه کسی از شاملویی که صاحب سلاح قلم است سزاوارتر تا پادشاهان برهنه‌ی پرمطراق را از لابه‌لای برکه‌های کتاب قطور تاریخ بیرون کشد و بی‌لباسی آنان را با رگبار هزل و هجو، به استهزا بنشیند و ملت رنجور را با لبخندی تلخ به تماشا ای فضاقت عیان بنشاند.

شاملو قصه پر غصه بلاهت و بی‌لیاقتی شاهان قاجار را با روزنوشت طنزآمیز سفری فرضی از پادشاهی فرضی به خوبی بیان می‌کند. سفر به ایالات متفرقه امریغ!



به مناسبت تولد محمد تقی بهار، ملقب به ملک الشعرا

## نقیضه‌ای بر شعر دماوندیه

افشار جابری



ای شهر سیاه خفته در بند  
تعطیل شده به جز دماوند

از دود به سر یکی کله خود  
از جاده به تن دو صد کمر بند

تا چشم بشر ببیند ابری  
باید برود تا ته در بند

تا واره‌ی از هوای سالم  
وز ورزش لوس سیرک مانند

با خاور دور بسته پیمان  
با آگروز پیر کرده پیوند

چون گشت زمین پر از مریضی  
سرد و سیه و کثیف و پر گند

بناخت ز خشم سرفه‌ای خشک  
آن سرفه تویی به جانث سوگند

تو سرفه خشک روزگاری  
وقتی نزدی یکی دهان بند؛

«از نار و سعیر و گاز و گوگرد»  
این سرفه بسی معلق افکند

نی‌نی تو نه سرفه‌ای نه عطسه  
ای شهر تیم ز گفته خرسند

تو معده پر گاز زمینی  
از باد ورم نموده یک چند

تا باد ورم فرو نشیند  
بر ما زده‌ای تو ضربتی چند

«شو متفجرای دل زمانه  
وان آتش خود نهفته میسند»

این هدیه توست چون ندادیم  
ما گوش به مردم خردمند



سفری که گرچه هرگز محقق نشده و شاید بی‌تاثیر از حضور خود شاملو در آمریکا و نگاهش به غرب نیز نباشد، اما به گفته نویسنده، نظیرهای ست برخاطرات و روزنوشت‌های بجا مانده از زمان شاهان و روشن‌تر، برداشتی است از خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر معروف ناصرالدین شاه قاجار.

گرچه خود معتقد است که هنوز با همه تیزی طنز و هجوه و هجو و کمان هزلی که بکار برده، نتوانسته آن فضاقت ناب و بلاهت عظیم را که شاهان با نبوغی غیر قابل وصف در صفحات تاریخ مکتوب کرده‌اند، به رشته قلم در آورد. شاملو برای اثبات این مدعا در فصل آغازین کتاب، نمونه‌هایی از روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه را به عنوان شاهد مثال می‌آورد. نمونه‌هایی که همچون کاسه چینی لب‌بری گوشه دل هر آدمی که درد این ملک دارد را می‌خراشد و برای همیشه تاریخ مایه شرمساری یک ملت از داشتن چنین پادشاهانی خواهد بود. گرچه به قول شاملو، خاطرات اسدالله علم که وزیر دربار پهلوی بوده نیز نشان می‌دهد در همه دوران‌ها سگ زرد برادر شغال است، چرا که این فضاقت در دوره پهلوی نیز به همان شدت ادامه داشته.

قابی که شاملو مقابل چشم ما می‌گذارد خاطرات سفر شاهی‌ست خوش گذران، بدزبان، پرمدعا و نادان که توسط دیلماج مخصوصش ثبت شده است.

کتاب در سال ۱۳۶۹ و در آمریکا به نثر قاجار و از زبان شاه نگاشته شده و این میان استفاده از ادبیات عوامانه و سخنان کوچه بازاری شاه، همزمان سفاقت او و البته تسلط توامان نویسنده به ادبیات کهن و فرهنگ عامیانه را نشان می‌دهد. از آنجا که شاملو چند دهه از عمرش را صرف گردآوری دایرةالمعارفی از عبارات عامیانه میان مردم نموده و آن‌ها را در چند جلد با عنوان «کتاب کوچه» منتشر کرده، باید هم به این ادبیات مسلط باشد. به جز این تلفیق کلمات فارسی و انگلیسی و ساخت واژه‌های جدید ابداعی، زبانی تازه خلق کرده برای شرح شرحه شدن عزت و شوکت و ثروت یک ملت به پای سفاقت یک خاندان. همچنین جعل و تحریف اطلاعات تاریخی از زبان شاه (مثل به زیر کشیدن مشروطه و یا به شهادت رساندن امیرکبیر) خیانت شاهان به تاریخ را در قالب طنزی تلخ نمایان تر کرده است. البته سرنوشت شاه در انتهای کتاب، به گونه‌ای است که نویسنده انتقام ملت را (ولو به صورت خیالی) یکجا از خاقان فرضی گرفته و بخشی از داغ این حوادث تاریخ را در سطور کتاب التیام بخشیده. چیزی شبیه یا کمی بهتر از سرنوشت واقعی شازده فعلی پهلوی!

معرفی فیلم کمدی

«رئیس خوب»

عدالت زیرپای فشنگ

رامین زارعی

نویسنده و طنزپرداز



اگر اهل فیلم دیدن و سینما باشید احتمالاً با شنیدن واژه عدالت اولین فیلمی که به ذهنتان می‌آید (۱۲ مرد خشمگین) اثر سیدنی لومت باشد و اگر به شما بگویند فیلمی کمدی درام با این موضوع ساخته شده، برایتان جالب خواهد بود. هنگام شنیدن واژه «عدالت» در یک فیلم احتمالاً منتظر دیدن صحنه‌هایی از دادگاه، زندان هیئت حاکمه و قاضی خواهید بود ولی در فیلم رئیس خوب شما شاهد دیدن هیچ کدام از این صحنه‌ها نیستید. این فیلم از زاویه‌ای دیگر به مباحث عدالت، اختلاف طبقاتی و ذات سرمایه‌داری در دنیای ما می‌پردازد؛ آن هم به کمک موقعیت‌های کمدی که باعث روایت هرچه بهتر داستان شده است. شاید با شنیدن نام سینمای اسپانیا، مشهورترین فیلم سال‌های اخیر آن یعنی The Platform به ذهنتان بیاید که در ایران هم حسابی دیده شد. به هر حال سینمای اسپانیا با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی این کشور بیشتر به مضامینی در نقد سرمایه‌داری و نظام طبقاتی می‌پردازد.

رئیس خوب (اسپانیایی: El buen patrón) یک فیلم کمدی درام اسپانیایی محصول سال ۲۰۲۱ به کارگردانی و نویسندگی فرناندو لئون د آرناوا با بازی خاویر باردیم، بازیگر مشهور اسپانیایی است. در این فیلم می‌بینیم که چگونه سود بیشتر و ولع قدرت باعث می‌شود در پشت ظاهر مهربان یک مدیر کارخانه، گرگی روبه‌صفت پنهان شده باشد.

از دیگر آثار این کارگردان اسپانیایی می‌توان به فیلم دوشنبه‌ها در آفتاب (Mondays in the Sun) اشاره کرد که شاخص‌ترین اثر این کارگردان بوده و در آنجا هم به سراغ مسائل مهم جامعه خودش رفته است و داستان شش مرد که از کار بیکار شده‌اند و دچار مشکلاتی در جامعه و خانواده می‌شوند را روایت می‌کند.

داستان فیلم رئیس خوب، در مورد یک مدیر کارخانه بزرگ و مطرح ترازو به نام خولیو بلانکو با بازی خاویر باردیم است که با داستان‌هایی مواجه می‌شود و باید تمام مشکلات را تا قبل از رسیدن کارشناسان و داوران یک مسابقه بزرگ کسب‌وکار حل کند تا بتواند این جایزه را نیز به دیوار افتخاراتش اضافه کند. ترازو خودش نماد عدالت است و اینجا اگر لازم باشد حتی دستکاری می‌شود تا عدد دلخواه نشان داده شود، زیرا مهم‌ترین مسئله حفظ ظاهر است. فیلم قربانی کردن عدالت برای رسیدن به قدرت که در اینجا قدرت فردی است را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این با توجه به اوضاع مهاجران در اروپا، به خوبی بحث تبعیض نژادی را نیز در فیلم مطرح می‌کند.

هرچند در میانه داستان ریتم و روند آن ممکن است کمی کند باشد ولی یک سوم نهایی، اوج داستان است و نظر مخاطب را در مورد مدیر کارخانه که با وجود خودشیفته و جاهطلب بودن نقش مثبت فیلم به نظر می‌رسد، عوض می‌کند. ما با سرمایه‌داری مواجه می‌شویم که حرف‌های شعاری زیبایی می‌زند؛ مانند اینکه هر که بیشتر تلاش کند و کار کند به موفقیت بیشتری می‌رسد و خودش را یک الگو در این زمینه معرفی می‌کند. اما شعارهایش هم دروغ و فریب کارانه از آب درمی‌آید و تازه می‌فهمیم که کارخانه هم از پدرش به او به ارث رسیده است.

این فیلم با ۲۰ نامزدی در سی و ششمین جوایز گویا (Goya Awards) که معتبرترین جایزه سینمایی اسپانیا است، برنده ۶ جایزه بهترین فیلم، کارگردان، بازیگر، فیلم‌نامه اصلی، موسیقی متن و تدوین شد و توانست رکورددار این مراسم باشد. همچنین این فیلم با بیش از پانصد هزار بیننده در سال ۲۰۲۱ چهارمین فیلم پرفروش اسپانیایی در بازار داخلی آن سال شد و توانست نظر منتقدین را نیز به خود جلب کند.